

حكم السرقة من الأقارب في الفقه الإمامي والفقه السني دراسة مقارنة

محسن ملك افضلى اردكاني^١

مهدي طاهري^٢

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٢/٠٨/٢٧؛ تاريخ القبول: ١٤٠٢/١٢/١٧ هـ ش]

الملخص

يعدّ حكم السرقة من الأقارب من المسائل الخلافية في الفقه الإمامي وفقه المذاهب السنية الأربعة. ويُراد بالأقارب في باب السرقة، المحارم وذوو القربى، باستثناء الأب، والذين يتمثلون في هذه الدراسة في: الأم، والولد، والأخ، والأخت، والزوجين، والعمّ، والعمة، والخال، والخالة، والحمو، والحماة. انطلاقاً من ذلك، فتسعى هذه الورقة البحثية، بالاعتماد على المنهج الوصفي التحليلي وبالمقاربة المقارنة، إلى دراسة حكم السرقة من الأقارب في ضوء الفقه الإمامي والفقه السني. تُظهر النتائج أنّ فقهاء أهل السنة لا يرون السرقة من الأمّ موجبةً لحدّ القطع؛ في حين يشمل الفقه الإمامي ثلاثة آراء في هذه المسألة. كما يرى فقهاء الإمامية والمالكية أنّ سرقة الولد من مال أبيه، وسرقة الأخ أو الأخت من مال الآخر، توجب حدّ القطع؛ بينما لا يرى فقهاء الحنفية والشافعية والحنابلة ثبوت هذا الحدّ في هاتين الصورتين. وذهب الشيخ الطوسي والإسكافي إلى أنّ سرقة أحد الزوجين من مال الآخر لا توجب حدّ القطع؛ في حين قال مشهور فقهاء الإمامية بثبوت الحد فيها. أما في فقه المذاهب السنية، فتوجد هناك ثلاثة آراء في هذه المسألة. وانفرد فقهاء الحنفية بالقول بنفي حد القطع في السرقة من سائر الأقارب، كالعمّ والعمة والخال والخالة والصهر.

الكلمات المفتاحية: السرقة الحدية، الوالدان، الأقارب، الزوجان، الأم، حدّ قطع اليد

١. أستاذ في قسم الفقه والقانون، جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران. mohsenmalekafzali@yahoo.com

٢. طالب الدكتوراه في قسم القانون الجنائي وعلم الإجرام، مجمع التعليم العالي للعلوم الإنسانية والإسلامية، جامعة المصطفى العالمية، قم، إيران (الكاتب المسؤول) mahdi.taheri1368@gmail.com

بررسی تطبیقی حکم سرقت از اقارب در فقه امامیه و اهل سنت

محسن ملک افضلی اردکانی^۱

مهدی طاهری^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷]

چکیده

حکم سرقت از اقارب، یکی از موارد اختلافی در فقه امامیه و فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت است. منظور از اقارب در سرقت، محارم و نزدیکان غیر از پدر است که به طور خاص در این پژوهش مادر، فرزند، خواهر و برادر، زوجین، عمو، عمه، دایی، خاله و پدرزن و مادرزن را دربر می‌گیرد. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی با رویکرد تطبیقی، مسئله حکم سرقت از اقارب را از دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد فقیهان اهل سنت سرقت از مادر را مستوجب قطع ید نمی‌دانند؛ درحالی‌که در فقه امامیه سه دیدگاه در این باره وجود دارد. فقیهان امامیه و مالکی، سرقت فرزند از اموال پدر و سرقت خواهر و برادر از اموال همدیگر را مستوجب قطع ید دانسته‌اند؛ ولی فقیهان حنبلی، حنفی و شافعی آن را مستوجب قطع ید نمی‌دانند. شیخ طوسی و اسکافی سرقت زوجین را مستوجب قطع ید نمی‌دانند؛ اما مشهور فقیهان امامیه قائل به حدی بودن آن هستند. در فقه مذاهب اهل سنت در این باره سه دیدگاه وجود دارد. برخلاف دیگر مذاهب، فقیهان حنفی سرقت از دیگر اقارب از قبیل عمو، عمه، خاله، دایی و داماد را نیز مستوجب قطع ید نمی‌دانند.

کلیدواژه‌ها: سرقت حدی، والدین، اقارب، زوجین، مادر، مجازات قطع ید.

۱. استاد گروه فقه و حقوق، جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران mohsenmalekafzali@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعة المصطفی العالمیه،

قم، ایران (نویسنده مسئول) mahdi.taheri1368@gmail.com

مقدمه

سرقت از جمله جرایم مالی به شمار می‌آید که بر اساس فقه اسلامی دو نوع مجازات درباره آن اعمال شدنی است؛ مجازات حدی (قطع دست) و دیگری مجازات تعزیری. سرقت حدی موجب قطع ید، مستلزم تحقق شرایط خاصی (میربلوچ زهی و حسینی، ۱۴۰۰: ص ۱۹۶) از جمله قراردادن مال مسروقه در «حرز» است. به بیان دیگر، سرقت و ربودن مخفیانه مال دیگری زمانی از جمله جرایم مستوجب حد شناخته می‌شود که مال مسروقه از مکانی که برای نگهداری آن تهیه شده و حرز محسوب می‌شود، صورت گرفته باشد و مقدار آن به اندازه نصاب نیز برسد؛ اما یکی از مواردی که در فقه اسلامی (اعم از شیعه و سنی) از اعمال مجازات قطع ید استثنا شده، سرقت پدر از مال فرزند است (اسحاقی، ۱۳۹۲: ص ۱۶۲). با توجه به این استثنا، فرع‌های دیگری مطرح می‌شود که محل بحث و اختلاف آرای فقیهان امامیه از یک سو و فقیهان دیگر مذاهب اسلامی از سوی دیگر شده است؛ برای مثال سرقت مادر از فرزند مسئله‌ای است که در فقه امامیه از مسائل اختلافی به شمار می‌آید و سرقت فرزند از اموال پدر و مادر از مسائل اختلافی در فقه مذاهب اهل سنت است. به همین ترتیب سرقت از دیگر اقارب از قبیل برادر، خواهر، عمه، عمو، خاله، دایی، مادرزن و پدرزن از موارد اختلاف بین عالمان اهل سنت است.

بر حسب اینکه دلیل استثنای پدر از عمومات حکم سرقت چه باشد، حکم سرقت از اقارب نیز متفاوت خواهد بود. این تفاوت را می‌توان از دو زاویه بررسی کرد: یکی اختلاف آرای که بین فقیهان یک مذهب خاص مثل امامیه در مسئله خاص یا بین مذاهب چهارگانه اهل سنت وجود دارد و دیگری اختلاف آرای که بین فقه امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت وجود دارد. مسئله این است که بر اساس فقه امامیه و فقه اهل سنت آیا سرقت مادر از فرزند، سرقت فرزند از والدین، سرقت خواهر از برادر و سرقت زن از شوهر مستوجب

مجازات قطع دست از باب حد محسوب می‌شود یا خیر؟ ملاک و معیار عدم قطع دست درباره سرقت اقارب فوق چیست؟ و گستره آن چه افرادی را دربر می‌گیرد؟ هدف پژوهش حاضر تبیین حکم سرقت اقارب فوق از دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری و با استفاده از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی با رویکرد مطالعات تطبیقی بررسی شده است. پژوهش حاضر تلاش دارد حکم سرقت از اقارب را به گونه تطبیقی بررسی کند؛ از این رو در قسمت اول حکم سرقت مادر از فرزند، در قسمت دوم حکم سرقت فرزند از والدین، در قسمت سوم سرقت خواهر از برادر و برعکس آن، در قسمت چهارم حکم سرقت زوجین و در قسمت پنجم حکم دیگر اقارب از قبیل عمو، دایی، عمه، خاله و پدرزن و مادرزن بررسی شده است.

۱. پیشینه پژوهش

مرور پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد تا کنون پژوهش مستقلی که به گونه‌ای تطبیقی حکم سرقت از اقارب را از دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت بررسی کرده باشد، انجام نشده است یا دست‌کم نویسنده به آن دسترسی نداشته است. از پژوهش‌های مرتبط با این موضوع می‌توان به مقاله ملک‌افضلی اردکانی و اقبالی «بررسی اعتبار هتک حرز در سرقت مستوجب حد از دیدگاه امامیه و اهل سنت» اشاره کرد که مسئله حرز را مطالعه کرده‌اند؛ اما به مسئله سرقت از اقارب نپرداخته‌اند. همچنین محمد حسن حائری و سبیکه فانی در مقاله «تأملی پیرامون شرطیت حرز در سرقت»، بحثی را درباره شرایط تحقق حرز مطرح کرده‌اند. نویسندگان باور دارند حرز در تحقق سرقت مستوجب قطع ید مداخلت ندارد؛ با این وجود اشاره‌ای به حکم سرقت از اقارب نداشته‌اند. محمد اسحاقی در «بررسی مجازات سرقت از فرزند»، بحث سرقت مادر از اموال فرزند را از دیدگاه فقه امامیه و اهل

سنت مطرح کرده است؛ اما دیگر اقارب را مسکوت گذاشته است. همچنین علمی سولا، لطفی و محمدیان در مقاله «واکاوی فتوای استثنای مادر از مجازات حد سرقت»، دلایل فتوای مشهور فقیهان امامیه و دیگر فتاوا را بررسی کرده‌اند؛ اما اولاً نگاه تطبیقی به مسئله نداشته‌اند؛ ثانیاً فقط حکم سرقت مادر را بررسی کرده‌اند و سرقت از دیگر اقارب را مورد توجه قرار نداده‌اند.

۲. مفهوم اقارب

اقارب از واژه قریب گرفته شده است که به معنای نزدیک و ضد بعید است و گاهی به معنای خویش و خویشاوند نیز به کار می‌رود (عمید، ۱۳۸۹: ص ۸۱۴؛ معین، ۱۳۸۸: ص ۳۲۰). واژه قریب به لحاظ لغوی برای نشان دادن نزدیکی در مکان، زمان، نسبت، بهره‌مندی، رعایه و قدر و منزلت به کار می‌رود (راغب اصفهانی، [بی‌تا]: ص ۶۶۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۴: ج ۳، ص ۴۵۴؛ جوهری، ۱۴۲۹: ص ۸۴۵)؛ اما به لحاظ عرفی گاهی ممکن است افرادی را دربر گیرند که هرچند نسبت مستقیم با شخص دیگر ندارد، قانون آن را در حکم اقارب پنداشته باشد (جعفری و عباسیان، ۱۳۹۹: ص ۸). در فقه تعریف خاصی از اقارب ارائه نشده است؛ اما برخی باورمندند مفهوم خاص اقارب بر «زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آنها که معمولاً باهم زندگی می‌کنند و تحت ریاست شوهر و پدر هستند» اطلاق می‌شود (حیدری و بحرینی، ۱۴۰۰: ص ۱۴). مفهوم عام اقارب عبارت است از: «گروهی مرکب از شخص و خویشاوندان نسبی و همسراو، گروهی که از یکدیگر ارث می‌برند و گاهی شامل تمام خویشاوندان سببی در مفهوم خانواده می‌شود» (صفایی و امامی، ۱۳۹۰: ص ۱۱). منظور از اقارب در باب سرقت، محارم و نزدیکان غیر از پدر است که به طور خاص در این پژوهش شامل مادر، فرزند، خواهر و برادر، زوجین، عمو، عمه، دایی، خاله و پدربزرگ و مادربزرگ می‌شود.

۳. بررسی اقوال در خصوص حکم سرقت مادر از اموال فرزند

یکی از موضوعاتی که در فقه امامیه و فقه اهل سنت محل آرای فقیهان قرار گرفته است، حکم سرقت مادر از فرزند است. درباره اینکه آیا حکم سرقت مادر از فرزند نیز ملحق به حکم سرقت پدر است یا خیر، بین فقیهان امامیه چند قول یا مسلک وجود دارد. در این قسمت ابتدا به بررسی اقوال فقیهان امامیه و سپس اقوال فقیهان اهل سنت می پردازیم.

۳-۱. فقیهان امامیه

آرا و دیدگاه های فقیهان امامیه در خصوص حکم سرقت مادر را می توان به چند دسته تقسیم کرد: برخی فقط به بیان حکم سرقت پدر از فرزند پرداخته اند و در خصوص حکم سرقت مادر از فرزند سکوت نموده اند؛ برخی دیگر بر اساس اطلاق ادله سرقت، فقط پدر را مستثنا دانسته اند و در خصوص مادر قائل به اجرای حد شده اند؛ گروه سوم مادر را به پدر ملحق می کنند و باورمندند سرقت مادر از فرزند موجب اعمال مجازات قطع دست نمی گردد. هر کدام از این گروه ها دلایل و توجیه هایی برای دیدگاه خود ارائه کرده اند که در ادامه به بررسی آن می پردازیم.

۳-۱-۱. نظریه سکوت

گروهی از فقیهان متقدم از قبیل شیخ مفید، اسکافی، ابن جنید، ابن ابی عقیل و شیخ صدوق درباره حکم سرقت مادر از فرزند سکوت کرده اند (مفید، ۱۴۱۳: ص ۸۰۳؛ اشتهازدی، ۱۴۱۶: ص ۳۴۸؛ صدوق، ۱۴۱۵: ص ۴۴۴).

سکوت این دسته از فقیهان را می توان دوگونه تعبیر کرد؛ نخست: سکوت شان به معنای موافقت و تأیید رأی مشهور فقیهان باشد که در این حالت عموم ادله سرقت مادر را نیز دربر

می‌گیرد. خدشه و اشکال وارد بر این طرز برداشت آن است که اولاً سکوت اعم از رضاست؛ از این رو با وجود احتمال خلاف نمی‌توان موافقت آنها را با رأی مشهور به اثبات رساند (علمی سولا، لطفی و محمدیان، ۱۳۹۱: ص ۱۸۹). دوم: سکوت این دسته از فقیهان را به معنای تأیید نکردن رأی مشهور و مخالفت با حدی پنداشتن سرقت مادر از فرزند بدانیم (قدرتی و عظیم پناه، ۱۳۹۶: ص ۱۲۳). نقطه قوت دیدگاه اول آن است که موافق رأی مشهور و عموم ادله سرقت است؛ اما دیدگاه دوم نیز از آنجا که مادر والدین را نیز دربر می‌گیرد و جایگاه او به لحاظ احترام و اعزاز اگر بالاتر از پدر نباشد، کمتر نیست تقویت می‌گردد. ضمن اینکه در بسیاری از روایات و آیات قرآن کریم، پدر و مادر از جایگاه یکسانی برخوردارند.

۳-۱-۲. نظریه مشهور فقیهان امامیه: تفکیک بین حکم سرقت مادر و پدر

مشهور فقیهان امامیه باورمندند عموم ادله سرقت «السارق و السارقه» همه افراد را دربر می‌گیرد و از این میان تنها پدر بر اساس روایت «انت و مالک لایبک» و برخی روایات دیگر استثنا شده است؛ بنابراین در خصوص این استثنا باید به قدر متیقن بسنده کرد که همان پدر است (طوسی، ۱۴۲۰: ص ۴۵۱؛ نجفی، ۱۳۷۳: ص ۴۸۸؛ موسوی خویی، ۱۴۲۲: ص ۲۹۰). مهم‌ترین دلیل طرفداران این دیدگاه، سه چیز است: عموم ادله سرقت، وجودنداشتن شبهه به مادر تا بتوان بر اساس آن حد را دفع کرد و اجماع (علمی سولا، لطفی و محمدیان، ۱۳۹۱: ص ۱۹۰-۱۹۱). در مقام ارزیابی و بررسی این دلایل می‌توان گفت اولاً با وجود آرا و دیدگاه‌های مخالفی که از سوی برخی فقیهان وجود دارد، ادعای اجماع امر دشواری است و اصولاً اجماعی تحقق پیدا نمی‌کند. ثانیاً: در مورد عدم شبهه که ابن‌ادریس آن را دلیل استثنای پدر قلمداد می‌کند، باید گفت دلیل استثنا شدن پدر وجود شبهه نیست، بلکه روایات است (حیدری، ۱۳۹۳: ص ۱۰۵). ضمن اینکه نفس وجود فتاوی مخالف می‌تواند به منزله شبهه

قلمداد شود. در خصوص عموم ادله سرقت نیز این نکته قابل تأمل است که: «اولاً تمسک به عمومیت آیات و روایات درباره مادر، درحقیقت تمسک به عموم عام در شبهات مصداقیه خود عام است و ثانیاً در همین مسئله آن گونه که مشهود است، این دسته از فقها با توسعه دایره قدر متیقن و با تمسک به دلایل عرفی و استحسانی در هنگام خروج از علم به قدر متیقن نیز اکتفا نکرده اند و جد پدری را نیز در حکم معافیت به پدر ملحق کرده اند» (قدرتی و عظیم پناه، ۱۳۹۶: ص ۱۲۵). بنابراین هر سه دلیل این نظریه قابل نقد و مناقشه است.

۳-۱-۳. نظریه الحاق حکم سرقت مادر از فرزند به سرقت پدر از فرزند

برخی از فقیهان امامیه معتقدند حکم سرقت مادر از فرزند همانند حکم سرقت پدر از فرزند است و از جمله موارد استثنا به شمار می آید. از فقیهان قدیم ابوصلاح حلبی و از معاصران آیت الله منتظری به صراحت این دیدگاه را برگزیده اند؛ همچنین در فتوایی از علامه حلی نیز می توان به تأیید این نظریه دست یافت. ابوصلاح حلبی در این باره چنین تصریح کرده است: «فاذا تکاملت هذه الشروط وجب قطع اصابع السارق الرابع، من الید الیمنی من اصولها دون الراحه و الابهام، حرکان او عبدا، مسلما او ذمیا، قریبا او اجنبیا الا سرق الوالدین من ولدهما علی کل حال» (حلبی، ۱۴۰۳: ص ۴۱۱). به کار بردن عبارت «والدین» بیان از آن است که بین حکم سرقت پدر و مادر از مال فرزند تفاوتی وجود ندارد. عبارت «علی کل حال» ناظر به این مسئله است که حتی اگر پدر و مادر محتاج و نیازمند به مال فرزند نباشد، باز هم سرقت آنها مستوجب قطع نیست.

همچنین آیت الله منتظری در پاسخ به پرسشی درباره قانون مجازات اسلامی در مورد حکم سرقت مادر از مال فرزند چنین بیان کرده است: «مسئله بین فقها محل خلاف است و احوط الحاق مادر است به پدر» (منتظری، ۱۳۷۳: ج ۲، ص ۵۳۸). مستند نظر ایشان

روایتی است که مقام و احترام مادر را بالاتر از پدر بیان کرده است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ص ۱۵۹ - ۱۶۰). در کتاب مختلف الشیعه قول ابوصلاح حلبی تقویت و چنین تصریح شده است: «و قول ابی الصلاح لا باس به لانها احد الابوين فيسقط القطع عنها كما يسقط عن الاب لا شتراکهما فی وجوب الاعظام» (حلی، ۱۴۱۳: ج ۹، ص ۲۴۵). علامه حلی در واقع با این عبارت از فتوای سابق خود که سرقت مادر را موجب قطع می دانست، رجوع می کند و با توجه به اینکه تاریخ کتاب مختلف الشیعه بعد از دیگر آثار وی است، می توان چنین نتیجه گرفت از نظر ایشان نیز سرقت مادر موجب قطع نیست.

۲-۳. آرای فقیهان اهل سنت

در باره حکم سرقت مادر از مال فرزند میان فقیهای اهل سنت اتفاق نظر وجود دارد که دست مادر قطع نمی گردد (مرغینانی، [بی تا]: ج ۲، ص ۳۶۷؛ اسحاقی، ۱۳۹۲: ص ۱۶۴). خلاصه دلایل فقیهان حنفی درباره حکم سرقت مادر از اموال فرزند، مواردی چون روایت نبوی، حرز محسوب نشدن منزل فرزند برای والدین، سد ذرایع و وجود شبهه را دربر می گیرد (اسحاقی، ۱۳۹۲: ص ۱۶۶). با توجه به دلایل فوق، فقیهان مذاهب اهل سنت در مورد حکم سرقت مادر از اموال فرزند اتفاق نظر دارند که مشمول مجازات قطع نمی گردد.

اما این پرسش ممکن است طرح شود که آیا منظور از مادر فقط مادر نسبی است یا مادر رضاعی را نیز دربر می گیرد؟ در خصوص این مسئله در فقه اهل سنت دو دیدگاه طرح شده است؛ برخی معتقدند با توجه به معیار «اذن دخول» به منزل، ثبوت حرمت ازدواج و عدم لزوم پوشاندن مواضع زینت، مادر رضاعی نیز حکم مادر نسبی را دارد؛ بنابراین همان گونه که سرقت مادر نسبی از اموال فرزند موجب قطع نیست، سرقت مادر رضاعی نیز موجب قطع نخواهد بود (عینی، ۱۴۲۰: ج ۷، ص ۳۵). برخی دیگر با استفاده از قیاس اولویت خواهر

رضاعی چنین استدلال کرده‌اند که خواهر رضاعی که در برابر مادر رضاعی درجه قرابتش بیشتر است، از شمول عموم ادله خارج نمی‌شود؛ از این رو مادر رضاعی به طریق اولی از شمول عموم ادله سرقت خارج نمی‌گردد (حافظ‌الدین النسفی، ۱۴۳۲: ج ۱، ص ۳۶۳). بنابراین حکم سرقت مادر در فقه اهل سنت مشمول مادر رضاعی نمی‌گردد.

۴. بررسی اقوال در خصوص حکم سرقت فرزند از اموال والدین

یکی دیگر از فرع‌های مسئله سرقت حدی، سرقت فرزند اعم از دختر و پسر از اموال والدین یعنی پدر و مادر است. در این باره بین فقیهان امامیه و اهل سنت اختلاف دیدگاه وجود دارد که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

۴-۱. فقیهان امامیه

فقیهان امامیه سرقت فرزند از اموال والدین را مشمول عموم ادله باب سرقت می‌دانند و قائل به اجرای حد قطع ید هستند. برخی از فقیهان امامیه در این باره ادعای عدم خلاف نموده‌اند (نجفی، ۱۳۷۳: ص ۴۸۸؛ مفید، ۱۴۱۳: ص ۸۰۳؛ طوسی، ۱۴۲۰: ص ۴۴۹)؛ بنابراین بر اساس فقه امامیه سرقت فرزند از اموال پدر و مادر داخل در عمومات ادله سرقت است و مستوجب مجازات قطع ید محسوب می‌شود.

۴-۲. فقیهان اهل سنت

فقیهان اهل سنت به استثنای مالکی‌ها، قائل به عدم حدی بودن سرقت از اموال والدین هستند. در واقع از دیدگاه فقیهان مذهب حنفی، شافعی و حنبلی در حالتی که

فرزند از اموال پدر و مادر خویش سرقت نماید، چنین سرقتی مستوجب قطع ید نخواهد بود (جزیری، ۱۴۲۴: ج ۵، ص ۱۲۹؛ عینی، ۱۴۲۰: ج ۷، ص ۳۴). استدلال این گروه آن است که از یک سو فرزند در برابر مال پدر و مادر مبسوط‌الید است و از سوی دیگر برای دخول در منزل پدر و مادر نیاز به اجازه ندارد؛ بنابراین حرز برای فرزند منتفی است و مجازات قطع دست در خصوص وی اجراشدنی نیست (مرغینانی، [بی تا]: ص ۳۶۷). درواقع فقیهان حنفی حرز را مفهوم عرفی قلمداد کرده‌اند و معتقدند مال مسروق در برابر سارق در حرز مناسب خودش قرار داشته باشد (ملک‌افضلی اردکانی و اقبالی، ۱۴۰۲: ص ۲۱؛ حائری و فانی، ۱۳۹۹: ص ۱۶۹). بنابراین بر اساس دیدگاه فقیهان حنفی، چون فرزند معمولاً و بر اساس عرف به اموال پدر دسترسی دارد و مال پدر برای او محرز به شمار نمی‌آید، سرقت فرزند از اموال پدر، سرقت مستوجب قطع دست پنداشته نمی‌شود. اما فقیهان مالکی در این باره قائل به سرقت حدی و مستوجب قطع ید هستند؛ چراکه عموم ادله سرقت شامل سرقت از والدین نیز می‌شود؛ بنابراین برای خروج آن از عموم ادله باید دلیل خاصی وجود داشته باشد؛ درحالی‌که چنین دلیلی در این زمینه وجود ندارد (قاضی ابومحمد المالکی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۹۵۰). بر این اساس درباره سرقت فرزند از اموال پدر دیدگاه واحدی میان مذاهب اهل سنت وجود ندارد؛ درحالی‌که فقیهان امامیه باورمندند این مورد سرقت حدی به شمار می‌آید و موجب قطع ید می‌گردد.

۵. بررسی اقوال در خصوص حکم سرقت خواهر از برادر و برعکس

حکم سرقت خواهر و برادر از همدیگر یکی دیگر از فرع‌های مسئله سرقت است. درواقع این مسئله نیز یکی از موارد اختلافی بین فقیهان امامیه و اهل سنت است.

۱-۵. فقیهان امامیه

فقیهان امامیه عموماً سرقت خواهر از برادر و سرقت برادر از مال خواهر را با استناد به عموم ادله سرقت، جزء مصادیق سرقت حدی دانسته‌اند. برخی از فقیهان امامیه تصریح کرده‌اند به استثنای سرقت پدر و جد پدری از مال فرزند، دیگر اقارب در حکم بیگانه به شمار می‌آید و سرقت آنها مستوجب قطع ید پنداشته می‌شود (طوسی، ۱۴۲۰: ص ۴۴۹؛ موسوی خویی، ۱۴۲۲: ص ۲۹۰)؛ بنابراین بین فقیهان امامیه شاید نتوان رأی مخالفی در این باره پیدا کرد؛ زیرا به اتفاق فقیهان امامیه، سرقت خواهر و برادر از اموال همدیگر مشمول عموم ادله سرقت است و دلیل خاصی بر خروج آنها از عموم ادله وجود ندارد.

۲-۵. فقیهان اهل سنت

فقیهان مالکی و شافعی سرقت از خواهر و برادر را از جمله مصادیق سرقت مستوجب حد می‌دانند. برخی از فقیهان مالکی در این باره تصریح کرده‌اند سرقت اقارب به استثنای پدر و مادر مستوجب قطع ید پنداشته می‌شود (قاضی ابو محمد المالکی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۹۵۰). همچنین فقیهان شافعی نیز سرقت از زوجین و دیگر اقارب را مشمول عموم ادله سرقت می‌دانند و باورمندند قول اظهر حدی بودن سرقت از دیگر اقارب است که این مسئله شامل سرقت از خواهر و برادر نیز می‌شود (زحیلی، [بی تا]: ج ۷، ص ۳۹۲). اما فقیهان حنفی و حنبلی به استناد اینکه خواهر و برادر جزء اقارب نزدیک به شمار می‌آید، سرقت آنها را از مصادیق سرقت حدی خارج دانسته‌اند (حافظ الدین النسفی، ۱۴۳۲: ج ۱، ص ۳۶۳). بنابراین در این باره بین فقیهان مذاهب اهل سنت دیدگاه واحدی وجود ندارد و مبنای این اختلاف دیدگاه نیز مفهوم اقارب از یک سو و ملاک و معیار تحقق حرز بین اقارب از سوی دیگر است.

۶. بررسی اقوال در خصوص حکم سرقت زوجین

یکی از موارد اختلاف بین فقیهان اهل سنت و امامیه، حکم سرقت زوجین است. درواقع مسئله مورد بحث در این قسمت آن است که اگر چنانچه زن از مال شوهر یا شوهر از مال زن سرقت نماید، آیا از مصادیق سرقت حدی محسوب می‌شود تا با استناد به عموم ادله سرقت قائل به مجازات قطع ید باشیم یا خیر؟

۶-۱. فقیهان امامیه

میان فقیهان امامیه درباره حکم سرقت زوجین دو دیدگاه وجود دارد: مشهور فقیهان قائل به حدی بودن آن است؛ برای مثال در کتاب مقنعه حکم این مسئله چنین آمده است: «و تقطع المرأة اذا سرق مال زوجها من حرز دونهما. و يقطع الزوج اذا سرق مال زوجته المحرز عنه» (مفید، ۱۴۱۳: ص ۸۰۳). در مقابل دیدگاه مشهور، برخی از فقیهان امامیه باورمندند سرقت زوجین از همدیگر عموم ادله سرقت را دربر نمی‌گیرد و مستوجب قطع ید محسوب نمی‌شود (طوسی، ۱۴۲۰: ص ۴۴۸؛ اشتهازی، ۱۴۱۶: ص ۳۴۸). صرف وجود دیدگاه مخالف مشهور، اگر نگوییم موجب شبهه و اسقاط حد است، دست‌کم دلالت بر عدم قطعیت حکم بر حدی بودن آن دارد؛ بنابراین اصل احتیاط مقتضی عدم حدی پنداشتن سرقت زوجین از همدیگر است. در این باره تفاوتی نیز بین سرقت زوج از زوجه یا عکس آن وجود ندارد، مگر اینکه مال مسروق به گونه‌ای باشد که نسبت زوجین نیز محرز محسوب شود که در این حالت به نظر می‌رسد باید سرقت آن را حدی دانست.

۶-۲. فقیهان اهل سنت

میان فقیهان اهل سنت درباره حکم سرقت زوجین از همدیگر سه دیدگاه وجود دارد: برخی قائل به حدی بودن، گروهی قائل به عدم حدی بودن و برخی قائل به تفصیل شده‌اند

(ابن تیمیه، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۱۵۷؛ زحیلی، [بی تا]: ج ۷، ص ۳۹۱). بر اساس فقه مالکی، سرقت زوجین از جمله موارد سرقت حدی محسوب می‌گردد. برخی از فقیهان مالکی تصریح کرده‌اند: «یقطع أحد الزوجین إذا سرق من مال الآخر، خلافاً لأبي حنيفة والشافعی؛ للظاهر والخبر، ولأنه مکلف سرق ما لا شبهة له فيه من حرز مثله كالأجنبي، ولأن الزوجية لا تقتضى شركة فی المال، ولا شبهة فيه، وإنما هي عقد على منافع كالأجیرین» (قاضی ابو محمد المالکی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۹۵۰)؛ درحالی‌که برخی دیگر قائل به تفصیل شده و حکم مسئله را چنین بیان کرده‌اند: «... وَالثَّالِثُ أَنَّ الزَّوْجَةَ لَا تَقْطَعُ لِأَجْلِ حَقِّ النَّفَقَةِ وَالزَّوْجِ يَقْطَعُ» (غزالی طوسی، ۱۴۱۷: ج ۶، ص ۴۶۵). دلیل قائلین به تفصیل نیز وجوب نفقه زوجه بر زوج بیان شده است که این خود می‌تواند موجب تحقق شرکت بین آنها شود.

۷. بررسی اقوال درباره حکم سرقت دیگر اقارب

منظور از دیگر اقارب، نزدیکانی است که مشمول افراد فوق نمی‌گردد؛ به عبارت دیگر عمو، عمه، خاله، دایی، پدرزن و مادرزن نیز از جمله اقاربی به شمار می‌آیند که در خصوص حکم سرقت آنان اختلاف نظر وجود دارد. عمده این اختلاف دیدگاه بین مذهب حنفی و دیگر مذاهب است؛ زیرا میان فقیهان امامیه کسی قائل به خروج این دسته از اقارب از عموم ادله سرقت نیست؛ اما بین فقیهان حنفی و سه مذهب دیگر اهل سنت در این باره اختلاف آرا وجود دارد؛ از این رو در این قسمت به بررسی دیدگاه مذهب حنفی و دیگر مذاهب پرداخته می‌شود.

۷-۱. فقیهان حنفی

بین مذاهب چهارگانه اهل سنت، فقیهان حنفی اقارب را در مفهوم بسیار گسترده آن به کار برده‌اند. از نظر این مذهب، ملاک سقوط مجازات قطع در باب سرقت اقارب یکی

این است که شخص بتواند بدون اذن داخل منزل قریب خویش شود؛ دوم اینکه برای آنها محرمیت شرعی وجود داشته باشد؛ یعنی به لحاظ شرعی امکان ازدواج آنها با هم وجود نداشته باشد (زحیلی، [بی تا]: ج ۷، ص ۱۳۰ و ۳۱۹). شرط سوم که در واقع جزئی از شرط دوم محسوب می شود، این است که رابطه محرمیت بین سارق و مال باخته طوری باشد که یکی از دیگری مواضع زینت خود را نپوشاند (مرغینانی، [بی تا]: ج ۲، ص ۳۶۷). بنابراین فقیهان حنفی با این سه معیار سرقت دیگر اقارب را نیز از شمول عموم ادله سرقت خارج می دانند که عمو، دایی، عمه و خاله را نیز دربر می گیرد.

برخی دیگر از فقیهان حنفی افزون بر اینکه عمو و دایی را از شمول عموم ادله سرقت خارج می دانند، پدرزن و مادرزن را نیز جزء اقارب محرم دانسته اند؛ از این رو چنانچه شخصی از خانه پدرزن و مادرزن خود مالی را سرقت نماید یا برعکس پدرزن و مادرزن از اموال داماد خود سرقت نماید، مجازات قطع اعمال نخواهد شد: «و من سرق من ذي رحمٍ محرمٍ منه لا برضاعٍ و من زوجته و زوجها و سیّده و زوجته و زوج سیّدته و مکاتبه و ختنه و صهره و من مغنمٍ و حَمّامٍ و بیتِ اذنٍ فی دخوله لم یقطع» (حافظ الدین النسفی، ۱۴۳۲: ج ۱، ص ۳۶۳). صهر در عرف فقیهان به تمام ارحام محرم زن اطلاق می شود که شامل پدرزن و برادرزن می شود؛ اما در عرف فعلی معمولاً به پدرزن و مادرزن اطلاق می گردد (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل ماده صهر). بنابراین بر اساس فقه حنفی ملاک عدم قطع دست در سرقت اقارب آن است که نگاه به مواضع زینت آنها جایز باشد و اذن دخول به منزل وجود داشته باشد. هر چند در آرای فقهی فوق فقط به سرقت شخص از منزل عمو، دایی و پدرزن و مادرزن اشاره شده است؛ اما با توجه به اینکه ملاک مذکور در مذهب حنفی هر دو طرف را دربر می گیرد، می توان گفت سرقت عمو، دایی و پدرزن و مادرزن از منزل برادرزاده، خواهرزاده و داماد نیز مشمول این حکم است و از موارد استثنای قطع دست محسوب می شوند.

۷-۲. دیگر مذاهب (امامیه، حنبلی، شافعی و مالکی)

فقیهان امامیه چنانچه به تکرار بیان شد، با استناد به روایات تنها پدر و جد پدری را از شمول عموم ادله سرقت خارج و سرقت دیگر اقارب را مستوجب قطع ید می دانند؛ اما میان مذاهب اهل سنت، فقیهان مالکی، شافعی و حنبلی نیز با دیدگاه مذهب حنفی درباره دیگر اقارب مخالفت کرده اند. فقیهان مذاهب نامبرده باورمندند عمو و دایی جزء اقارب دور محسوب می شوند و در صورت ارتکاب سرقت، مجازات قطع دست درباره آنها اعمال خواهد شد (عینی، ۱۴۲۰: ج ۷، ص ۳۴). بنابراین ملاک محرمیت و اذن دخولی که در مذهب حنفی وجود دارد و بر اساس آن سقوط مجازات قطع در خصوص عمو، عمه، خاله، دایی، پدرزن و مادرزن تعمیم داده شده، مقبول فقیهان دیگر مذاهب اهل سنت قرار نگرفته است.

نتیجه

درباره سرقت از اقارب، فقیهان حنفی با تفسیر موسع از این اصطلاح همه کسانی که بینشان حرمت ازدواج، وجوب نفقه و اذن دخول در منزل وجود داشته باشد را از شمول عموم ادله سرقت خارج و حد سرقت را در برابر همه آنها ساقط دانسته اند. برخی از فقیهان مالکی، حنبلی و شافعی نیز فقط پدر، مادر، جد پدری، زوجین و فرزندان را از شمول عموم ادله خارج می دانند و باقی اقارب را داخل در عموم ادله سرقت قلمداد کرده اند. بعضی از فقیهان امامیه نیز سرقت مادر از اموال فرزند و سرقت زوجین را نیز از شمول عموم ادله سرقت خارج پنداشته، قائل به عدم قطع ید شده اند. اما مشهور فقیهان امامیه همه آنها را به استثنای پدر و جد پدری مشمول عموم ادله سرقت قلمداد کرده اند و مستوجب مجازات قطع ید دانسته اند. در مقام ارزیابی و نتیجه گیری از آرای فوق می توان گفت همان گونه که فقیهان حنفی در خصوص خروج اقارب از عموم ادله سرقت راه افراط را پیموده اند، در نقطه مقابل مشهور فقیهان امامیه

در این باره راه تفریط را در پیش گرفته‌اند. بنابراین اقتضای مذاق شریعت و برخی از آیات و روایات آن است که مادر نیز همانند پدر از شمول عموم ادله سرقت خارج پنداشته شود و در خصوص زوجین نیز با توجه به عرف و فرهنگ حاکم جامعه به نظر می‌رسد تحقق حرز و اثبات سرقت حدی اولاً امر مشکل و دشوار باشد؛ ثانیاً ممکن است پیامدهای منفی از قبیل فروپاشی نظام خانواده را در پی داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت در این موارد رأی خلاف مشهور از قوت بیشتری برخوردار است؛ از این رو عمل به فتوای خلاف مشهور در قانون‌گذاری، نه تنها منع شرعی ندارد، بلکه می‌تواند دارای مبنای شرعی و عقلایی باشد.

پی‌نوشت

۱. اجرای حد سرقت موجب قطع صله رحم می‌شود که حرام است و هر چیزی که منجر به کار حرام شود، نیز حرام است.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ابن تیمیه، عبدالسلام بن عبدالله (۱۴۰۴ ق)؛ المحرر فی الفقه علی مذهب الامام احمد بن حنبل؛ ج ۲، الرياض: مكتبة المعارف.
- حلبی، تقی الدین (۱۴۰۳ ق)؛ الکافی فی الفقه؛ اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین.
- اسحاقی، محمد (۱۳۹۲ ش)؛ «بررسی مجازات سرقت از فرزند»؛ مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۴۶، ش ۲.
- اشتهدادی، اعداد (۱۴۱۶ ق)؛ فتاوی ابن الجنید؛ نسخه الکترونیکی.
- جزیری، عبدالرحمن (۱۴۲۴ ق)؛ الفقه علی المذاهب الاربعه؛ ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیه.

جعفری، سحر و پیمان عباسیان (۱۳۹۹ ش)؛ «ضرورت پرداخت نفقه اقارب در فقه و حقوق ایران»؛ نشریه فقه و حقوق معاصر، سال ششم، ش ۱۴.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۲۹ ق)؛ الصحاح؛ بیروت: دارالعلم للملایین.

حافظ‌الدین النسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۳۲ ق)؛ کنز الدقائق؛ جزء اول، بیروت: دار السراج.

حائری، محمدحسن و سبیکه فانی (۱۳۹۹ ش)؛ «تأملی پیرامون شرطیت حرز در سرقت»؛ مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۲، ش ۲۲.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق)؛ مختلف الشیعه فی احکام الشریعه؛ ج ۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

حیدری، سکینه و محمود جواد بحرینی (۱۴۰۰ ش)؛ «قلمرو وجوب نفقه اقارب از منظر حقوق افغانستان و ایران»؛ نشریه پژوهش‌نامه اسلامی حقوق، ش ۳.

حیدری، علی‌مراد (۱۳۹۳ ش)؛ «مصونیت خانوادگی در جرایم علیه اموال و مالکیت»؛ مجله فقه و اصول، ش ۹۷.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳ ش)؛ لغت‌نامه؛ تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد [بی‌تا]؛ مفردات الفاظ القرآن؛ قم: دار القلم.

زحیلی، وهبه [بی‌تا]؛ فقه الاسلامی و ادلته؛ ج ۷، دمشق: دار الفکر.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۵ ق)؛ المقنع؛ قم: مؤسسه امام هادی.

صفایی، سیدحسین و اسدالله امامی (۱۳۹۰ ش)؛ مختصر حقوق خانواده؛ تهران: نشر میزان.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۰ ق)؛ الخلاف؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.

علمی‌سولا، محمدرضا، اسدالله لطفی و علی محمدیان (۱۳۹۱ ش)؛ «واکاوی فتوای استثنای مادر از

مجازات حد سرقت»؛ مجله مطالعات راهبردی زنان، ش ۵۷.

عمید، حسن (۱۳۸۹ ش)؛ فرهنگ فارسی؛ تهران: راه رشد.

عینی، ابو محمد محمود بن احمد (۱۴۲۰ ق)؛ البنایه شرح الهدایه؛ جزء ۷، بیروت: دار الکتب العلمیه.

غزالی الطوسی، ابوحامد محمد (۱۴۱۷ ق)؛ الوسیط فی المذهب؛ ج ۶، قاهره: دار السلام.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ ق)؛ کتاب العین؛ قم: اسوه.

قاضی ابومحمد المالکی، عبدالوهاب (۱۴۲۰ ق)؛ الاشراف علی نکت مسائل الخلاف؛ ج ۲، بیروت: دار ابن حزم.

قدرتی، فاطمه و مجتبی عظیم پناه (۱۳۹۶ ش)؛ «تأملی فقهی در حکم سرقت مادر از اموال فرزند»؛ دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال ۲۲، ش ۶۶.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ ش)؛ الکافی؛ ج ۲، نسخه الکترونیکی.
مرغینانی، برهان الدین علی بن ابی بکر [بی تا]؛ الهدایة فی شرح بدایة المبتدی؛ جزء ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

معین، محمد (۱۳۸۸ ش)؛ فرهنگ فارسی؛ تهران: امیر کبیر.

مفید، محمد بن النعمان (۱۴۱۳ ق)؛ المقنعه فی الاصول و الفروع؛ قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
ملک افضلی اردکانی، محسن و محمد رضا اقبالی (۱۴۰۲ ش)؛ «بررسی اعتبار حتک حرز در سرقت مستوجب حد از دیدگاه امامیه و اهل سنت»؛ مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، سال سوم، ش ۵.

منتظری، حسین علی (۱۳۷۳ ش)؛ رساله استفتائات؛ قم: ارغوان دانش.

موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۳۲۲ ش)؛ مبانی تکملة المنهاج؛ قم: مؤسسه احیاء آثار خویی.

میربلوچ زهی، موسی و سید مصطفی حسینی (۱۴۰۰ ش)؛ «بررسی حد سرقت از منظر فقهای اهل سنت (مذاهب چهارگانه) و مذهب شیعه (بررسی قانون ایران در خصوص حد سرقت)»؛ مجله قانون یار، سال ۵، ش ۱۷.

نجفی، محمد (۱۳۷۳ ش)؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ ج ۴۱، تهران: دار الکتاب الاسلامیه.

